

نحوه تربیت فرزندان در خانواده

از دیدگاه امام‌صادق (ع)

فی الکافی، عن مسعدة بن صدقة قال: قال ابوعبدالله (علیه‌السلام): اِنَّ حَیْرَ ما وَرَثَ الْاَبَاءَ لِابْنائِهِم الْاَدَبُ لَا الْمَال.
قال مسعدة: یعنی بالادب، العلم.^[۱]

دنبالهٔ روایت مسعدة بن صدقه است، حضرت [امام‌صادق(ع)] می‌فرماید: بهترین ارثی که پدران برای فرزندان می‌گذارند، ادب است

نه ملک، خانه، زمین و سایر مملوکات، مسعدة بن صدقه در ذیل روایت، می‌گوید: مراد حضرت از ادب، علم است. شاید مقصود، همین انتقال فرهنگ است که در عرف ادبیات امروز، می‌گوییم انتقال فرهنگ از نسلی به نسل دیگر.

فرض بفرمایید پدری صدق را به فرزندش تعلیم می‌دهد، شجاعت را، همت را، کار کردن را، شرف را، اینها ادب است. تعبیر علم بر اینها تعبیر مجازی نیست، تعبیر حقیقی است. اینها علم است، علم فقط نوشتن فرمول ریاضی و فیزیک و غیره نیست، علم حقیقی همین ارزش‌هاست که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. بنابراین، مراد از ادب، یک چنین چیزی خواهد بود.

نکتهٔ اساسی در این روایت این است که فرهنگ پذیری انسان در درجهٔ اول از ناحیهٔ خانواده است که اشباع می‌شود، حضرت واقعیتی را بیان می‌کنند که بداینهم هر حرکت و هر رفتار و مثنی ما با فرزندانمان در شخصیت و شکل دهی ذهنیت آنها تأثیر می‌گذارد؛ در واقع، نظام ارزشی اسلام را، اهمیت این تعلیم و آموزش را، این انتقال فرهنگ صحیح را به فرزندان نشان می‌دهد که این، وظیفهٔ پدران است. البته بسه فرزندان هم این نکته را می‌گوید که: بدانید! آنچه از این ناحیه گیرتان می‌آید، قیمتی‌تر است از مال و مثال دنیوی که از پدران بدست می‌آوردید. تقوا را، پرهیزکاری را، دوری از گناه را، انس با خدا را، انس با قرآن را، تسلیم در مقابل اوامر الهی را، توجه دادن به معنویت را، اینها را ما باید به بچه‌ایمان یاد بدهیم.

اولین جایی که فرزند این چیزها را می‌چشد، داخل خانواده است،

اینها را می‌بایست به بچه‌ها یاد داد، جلوی بچه‌ها قرآن بخوانید! جلوی

بچه‌ها دعا بخوانید! در مقابل چشم بچه‌ها از خدای متعال بخواهید!

دعا کردن و حرف زدن با خدا را عملاً یاد بدهید! جلوی بچه‌ها دروغ

نگویسید! عیبت نکنید! اظهار دلّت در پیش غیر خدا نکنید!ا طمع به

مال را نشان ندهید!ا اگر اینطور شد، فرزند ما هم اینطوری بار می‌آید.

چنانچه ما عیبت نکنیم، بداخلاق می‌شود، اهانت به این و آن کنیم،

جلوی بچه‌هایمان خودمان را در مقابل مقامات دنیوی کوچک کنیم،

با خدای متعال اصلاً انسی پیدا نکنیم، این بچه هم در این محیط

پرورش پیدا می‌کند، از این حقایقی که باید قرا بگیرد غافل می‌ماند

و ذهن او، و روح او با همین کارهای که ما می‌کنیم آشنا می‌شود.

سیس می‌فرمایند: فَاِنَّ الْمَالَ يَذْهَبُ وَ الْاَدَبُ يَبْقَى، مال از بین می‌رود،

اما این ادبی که به این بچه یاد دادید، تا آخر عمر با او هست، چون

شخصیت او را شکل می‌دهد، به این بایستی اهمیت داد.

✽ شرح حدیث در ابتدای درس خارج ۲/۳۱۶ به نقل از مشرق

[۱] - الشافعی، ۵۵۱

در محضر امام خمینی (ره)

صرفه‌جویی فوق‌العاده در استفاده از کاغذ

یک وقت صحبت این شده بود که دست‌نوشته‌های امام باید سال‌های سال بماند. چرا که واقعاً بسند سادات این ملت مسلمان از این نظام اسلامی کاذفهای شمیایی، معمولاً زود از بین می‌روند، از این روز قرار گذاشتیم که کاذفهای دست‌ساز راژنی تهیه کنیم. با آقای مهندس حجت (نسیس) وقت سازمان میراث فرهنگی) برای تهیه این کاذفها صحبت شد. ولی آقای انصاری گفتند: امام که روی کاغذ سفید چیزی مرقوم نمی‌فرمایند. باید ما چیزی بنویسیم و بدهیم خدمت ایشان، که ایشان در حاشیهٔ آن بنویسند. جالب است براینسان که بعضی از اشعار حضرت امام که منتشر شده، در حاشیهٔ بعضی از روزنامه‌ها نوشته شده است.

(دکتر محمود بروجردی، کتاب آینه حسن، ص ۶۳)

استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

حرمت اتهام زنی به معتقدات اهل سنت

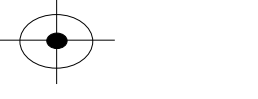
رهبر معظم انقلاب در پاسخ به جمعی از علما و فرهیختگان شیعه منطقه احساء عربستان که فتوای معظلمه را دربارۀ «هانت و استغاده از کلمات تحقیرآمیز و توهین به همسر پیامبر اسلام، امام‌المومنین عایشه جویا شده بودند چنین مرقوم فرمودند:

«هانت به نهادهای برادران اهل سنت از جمله اتهام‌زنی به همسر پیامبر اسلام (عایشه) آحرام است. این موضوع شامل زنان همه پیامبران و بویژه سیدالانبیاء پیامبر اعظم - حضرت محمد(ص) - می‌شود.» (خبرگزاری مهر)

اعتراف انسان به اعمال خود

حسابرسی در قیامت نسبت به اعمال انسانی دارای مراتب و درجاتی است:

۱. در گام اول دیگری از فرشتگان و پیامبران و امامان معصوم(ع) و شهادت و گواهی به شهادت می‌دهند، (فصلت، آیت ۲۰ تا ۲۲)؛
آیه (۴۱: توبه ، ۱۰۵)؛
۲. در گام دوم، اعضای خود انسان نسبت به خودش گواهی می‌دهند. در این زمان پوست و اعضای بدن به زبان در می‌آیند و سخن می‌گویند و شهادت می‌دهند، (فصلت، آیت ۲۰ تا ۲۲)؛
۳. در گام سوم خود نفس انسانی شهادت می‌دهد؛ زیرا چهره‌ها، نورانی یا ظلمانی می‌شود(ال عمران، آیه ۱۰۶) و یا به شکل چارپایان وحوش و گیاه در می‌آید. (اعراف، آیه ۱۷۹، بقره، آیه ۲۴۴ جن، ۱۵)
۴. در حقیقت خود عمل حاضر است و با تغییر و تبدیل عامل شهادت خود را بیان می‌کند.
۵. در این مرحله خود انسان به حسابرسی خودش می‌پردازد و وقتی به خودش مراجعه می‌کند دیگر نمی‌تواند توجیه و عذری داشته باشد. خدا می‌فرماید: اقْرَأْ کِتَابَکَ کَفَىٰ بِنَفْسِکَ الْیَوْمَ عَلَیْکَ حَسِیْبًا؛ نامه‌ات را بخوان کافی است که امروز خودت حسابرس خود باشی. (اسراء) آیه ۱۴.
در این زمان، انسان به جایی می‌رسد که خودش اقرار می‌کند، یعنی خدا می‌فرماید: فَاتَّزِقُوا بِذُنُوبِهِمْ فَنَسْفُتًا أَطْحَابًا التَّعْذِیرُ؛ پس به گناه خود اقرار می‌کنند و مرگ باد بر اهل جهنم. (ملک، آیه ۱۱) معلوم است که اقرار و اعتراف انسان نسبت به خودش بالاتر از شهادت است؛ از همین روز گفته‌اند: اقرار العقلاء علی انفسهم جایزه؛ یعنی اقرار خردندان علیه ذنوب رفتنی و رسا است و بر اساس آن عمل می‌شود؛ زیرا حجت قاطع است.



در سالروز میلاد با سعادت حضرت زینب کبری(سلام الله علیها) می توان گفت آن حضرت بزرگ بانویی است که با تحمل و بردباری در کربلاعهده‌دار پرستاری از بیماران همجون امام سجّاد(ع) بود و پرستاران باید ایشان را الگو و سرمشق خود قرار دهند^[۱]بنابراین باید اذعان کرد در پیشرفت اسلام، زنان بزرگ و با شخصیتی همچون خدیجه و بانوی اسلام فاطمه زهرا و دخترش زینب‌کبری(ص) شر کت داشته اند و برای پیشرفت اسلام و اجرای حق و عدالت بزرگترین فداکاری را به خرج داده اند و با ایمانی محکم و تفکری عالی، مردان خود را با تمام وجود در این مسیر حمایت می کردند و علی(ع) نیز برای آنها احترام فوق‌العاده قائل بود.^[۱] این ادعاداری دلیل و تحلیل منطقی است. زیرا اگر مر کب قلم دانشمندان نبود، خون‌های شهیدمان فرومش می شد، لذا حضرت زینب(ص) در گام نخست زبینه جوادانگی خون شهیدان را به وجود آورد.^[۱] از این رو برای تبیین مقام و منزلت حضرت زینب‌کبری(ص) باید این پرسش‌ها را مطرح کرد که بر آن حضرت چه گذشت؟ او که پس از شهادت امام حسین (ع) رهبری کاروان اسیران را به همراه امام سجاد (ع) به عهده داشت و همه جا از جان او و زنان و کودکان مراقبت می کرد و گاه خود را سپر بلای آنها قرار می داد و در کوفه و شام با افشارگری هایش ظالمان را رسوا ساخت، بنذر انقلاب را در همه جا پاشید و پیام خوین کربلا را به گوش مردم رساند، خاطرات بودنش با برادر، همراهی او در مسیر مدینه به مکه و از مکه تا کربلا، سفارش‌های برادر به او، رنج های حسین(ع) در شهادت یاران و برادران و فرزندان، بدن‌های قطعه قطعه شهیدان و سرهای جدا شده عزیزان،^[۱] همه و همه حاکی از شأن منزلت و مقام والای حضرت زینب کبری (ص) است که در ادامه به مهم ترین شاخصه‌های آن اشاره می شود.

پرستاری نمونه

تقارن میلاد پرخیر و برکت حضرت زینب(ص) با عنوان روز پرستار ما را بر این نکته رهنمون می‌سازد که نسبت سیرهٔ حضرت زینب با مقولهٔ پرستاری غیر قابل انکار است، به عنوان نمونه علی بن الحسین(ع) می‌گوید: «شبی که پدرم فردای آن ادب، شهادت رسید، بیمار بودم و عم‌عام زینب از من پرستاری می‌کرد.»^[۱]

در روایتی دیگر آمده است: هنگامی که امام حسین (ع) تنها شدبه خیمه های برادرانش سرر کشید... آنگاه به سوی خیمه‌های زنان روانه شد و به خیمه فرزندش امام زین العابدین(ع) رفت‌او را دید که بر روی پوست خشنی خوابیده و عمالش زینب (ص) از او پرستاری می‌کند. چون حضرت‌علی بن الحسین نگاهش به پدر افتاد خواست از جا برخیزد، ولی از شدت بیماری نتوانست، پس به عمه اش زینب گفت: «کمکم کن تا بنشینم چرا که پسر پیامبر(ص) آمده است» زینب (ص) وی را به خود تکیه داد و امام حسین از حال فرزندش پرسید^[۱]. در فراز دیگر نیز می‌توان به خطاب امام حسین(ع) نسبت به خواهرش زینب(ص) مبنی بر نگهداری و مراقبت از کوچکترین فرزند امام حسن جنتی اشاره کرد و فرمود: خواهرم! او را نگهدار!^[۱]... حال این تفاسیر می‌توان نسبت نامگذاری تولد آن حضرت

سیری در مقامات حضرت زینب (س)

تقارن میلاد پرخیر و برکت حضر تزینب(س) با عنوان روز پرستار ما را بر این نکته رهنمون می‌سازد که نسبت سیرهٔ حضرت زینب با مقولهٔ پرستاری غیر قابل انکار است، به عنوان نمونه علی بن الحسین(ع) می‌گوید: «شبی که پدرم فردای آن به شهادت رسید، بیمار بودم و عمه ام زینب از من پرستاری می‌کرد.»

با روز پرستار را بیش از پیش دریافت که همهٔ این موارد حاکی از عمق ایثار وفداکاری و اوج مقام پرستاری آن حضرت است.

استقامت و پایداری

مرحوم محمد مهدی نراقی در جامع السعادات صبر را چنین تعریف می‌کند: «صبر، استقامت و پایداری نفس و عدم توشیح در سختی‌ها و مصیبت‌ها است، که نجوی که مقاومت کنی در برابر آن سختی‌ها و بلاها و خارج نکنی نفس خود را از سعه صدر و از آن حالت سرور و آرامشی که بر آن حاکم بود.^[۱]»
یاد اذعان کرد ایستدگی و پایداری زینب کبری(ص) در مقابل یزید، تحسین برانگیز است، بلا وقتی بانوی سرافراز عاشورا، حضرت زینب(س) در مقابل حضرت یزید می‌ایستد و می‌گوید:ای یزید فکر نکن که من مثل یک اسیر مقابل تو ایستادم بلکه برای من ننگ است با همچون تویی، هم سخن و رودرو شده‌ام پیام آن این است که در هیچ شرایطی، نباید تن به ذلت داد و این جزو درسی‌های عاشورا است.^[۱]

مقام پیام‌رسانی عاشورا

بی تردید عاشورا با مفاهیمی چون ازادگی و مبارزه با ظلم گره خورده است که نه تنها کمته نمی‌شوند بلکه روز به روز توسعه بیشتری می‌یابد، لیکن پیام‌های عاشورا را می‌توان در خطبه‌های حضرت زینب(س) در کوفه و شام مشاهده کرد.^[۱] حال در سوی دیگر حضرت زینب (س) که گویا سخنگوی آن صحنه عجیب(شهادت امام حسین ع) بود چنین گفت: پدرم فدای آن کسی باد که (خیمه گاه) سباهش روز دوشنبه غارت شد.^[۱] پدرم فدای آن کس باد که طنابهای خیمه اش بریده و بر زمین افتاد.پدرم فدای آن کس که با دل برعصه جان سپرد، پدرم فدای آن کس که با لب تشنه شهید شد، پدرم فدای آن کس که از محاسن خون می‌چکد.^[۱]

مقام عفت

از جمله شاخصه‌های کلیدی در امر مقام شناسی آن حضرت باید به اهتمام ویژه آن حضرت به رعایت حدود عفاف و حجاب اشاره کرد، لذا آن حضرت در مواجهه با لشکر دشمن فرمود، به سپاهت بگو شتاب نکنند، مگنا دست نامحرمان به سوی خانواده پیامبر(ص) دراز شود. زینب کبری(ص) خود لباس مندرس پوشیده بود و به زنان فرمان داد هر چه وسایل و زیورآلات داشتند در گوشه ای جمع کنند، گوشواره‌ها را از بر پایه آموزه‌های قرآن، همه هستی از جماد و نبات و حیوان در حال تسیخ خادوند هستند. (اسراء، آیه ۴۴؛ حدید، آیه ۱؛ جمعه، آیه ۱) البته تسیخ هر چیزی به حسب خودش است. بنابراین، تسیخ اختصاص به ذکر زبانی ندارد، بلکه به اشکال و گوناگونی انجام می‌گیرد.

آنچه از اصل تسیخ گویی به دست می‌آید، شعور هستی است، به این معنا که هستی از شعور به نسبت خود برخوردار است؛ زیرا بدون شعور و ادراک نمی‌توان از تسیخ سخن گفت؛ چرا که تسیخ به معنای نفی نواصی و کمبودها از خدای سبحان است؛ پس اگر چیزی دارای شعور نباشد، نمی‌تواند به مقایسه بریزد؛ در مقام مقایسه بگوید این دارای کمبود و نقص و آن دیگری دارای کمال و غنا و عدم نقص است.

بر همین اساس است که سنگریزه برای پیامبری رسول اکرم گواهی می‌دهد(منافق ال آبی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۹۰) یا زمین در قیامت می‌تواند شهادت دهد؛ زیرا اینها شعور دارند و می‌توانند مقایسه و ارزیابی نیز داشته باشند. از آنجا که مومنان واقعی با حق متعال در ارتباط و رعایت هستند، به طوری که گفتار و رفتار ایشان به کمالی الهی است تا جایی که خداوند گفتار و رفتار آنان را به خود نسبت می‌دهد. (الاحزاب، آیه ۱۷؛ نجم، آیه ۴) می‌توان گفت هستی نیز منائر از رفتار و گفتار مومنان است. بر همین اساس، اینکه آسمان بر کسی بگریزد و نگردد، دور از انتظار نیست. خداوند درباره کافران فرعون می‌فرماید: فَمَا بَكَتْ عَلَیْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ؛ پس آسمان و زمین بر آنها نگرست و اشکی نریخت. (دخان، آیه ۲۹) امام‌صادق(ع) می‌فرماید: «بَكَتِ السَّمَاءُ عَلَی

معارف Maaref@Kayhan.ir

در سالروز میلاد با سعادت حضرت زینب کبری(سلام الله علیها) می توان گفت آن حضرت بزرگ بانویی است که با تحمل و بردباری در کربلاعهده‌دار پرستاری از بیماران همجون امام سجّاد(ع) بود و پرستاران باید ایشان را الگو و سرمشق خود قرار دهند^[۱]بنابراین باید اذعان کرد در پیشرفت اسلام، زنان بزرگ و با شخصیتی همچون خدیجه و بانوی اسلام فاطمه زهرا و دخترش زینب‌کبری(ص) شر کت داشته اند و برای پیشرفت اسلام و اجرای حق و عدالت بزرگترین فداکاری را به خرج داده اند و با ایمانی محکم و تفکری عالی، مردان خود را با تمام وجود در این مسیر حمایت می کردند و علی(ع) نیز برای آنها احترام فوق‌العاده قائل بود.^[۱] این ادعاداری دلیل و تحلیل منطقی است. زیرا اگر مر کب قلم دانشمندان نبود، خون‌های شهیدمان فرومش می شد، لذا حضرت زینب(ص) در گام نخست زبینه جوادانگی خون شهیدان را به وجود آورد.^[۱] از این رو برای تبیین مقام و منزلت حضرت زینب‌کبری(ص) باید این پرسش‌ها را مطرح کرد که بر آن حضرت چه گذشت؟ او که پس از شهادت امام حسین (ع) رهبری کاروان اسیران را به همراه امام سجاد (ع) به عهده داشت و همه جا از جان او و زنان و کودکان مراقبت می کرد و گاه خود را سپر بلای آنها قرار می داد و در کوفه و شام با افشارگری هایش ظالمان را رسوا ساخت، بنذر انقلاب را در همه جا پاشید و پیام خوین کربلا را به گوش مردم رساند، خاطرات بودنش با برادر، همراهی او در مسیر مدینه به مکه و از مکه تا کربلا، سفارش‌های برادر به او، رنج های حسین(ع) در شهادت یاران و برادران و فرزندان، بدن‌های قطعه قطعه شهیدان و سرهای جدا شده عزیزان،^[۱] همه و همه حاکی از شأن منزلت و مقام والای حضرت زینب کبری (ص) است که در ادامه به مهم ترین شاخصه‌های آن اشاره می شود.



سیری در مقامات حضرت زینب (س)

گوشه‌ایشان درآوردند، حتی فاطمه دختر امام حسین (ع)که نوعروس بود و دوست داشت گوشواره‌هایش را که یادگار پدر مظلومش بود نگه دارد، عمه اش زینب از ترس آنکه مبادا دست نامحرمی به سوییش دراز شود، اجازه نداد. زنان و کودکان در گوشه‌ای جمع شدند، آنگاه زینب فریاد زد: هر کس می خواهد اسباب و وسایل دختران علی (ع) و فاطمه(ص) را به تسلی بقرب بیاید. عده ای از سپاه آمدند و هر چه بود را به غارت بردند.^[۱]^[۱]

مقام سخنوری

مقام سخنوری و خطابه از جمله خصایص برجستهٔ حضرت زینب کبری(ص) است، خطبه‌های عقیله بنی‌ناتم پس از واقعه عاشورا با خطبه‌های بلخ، رسا و بیدار گرانه به گوناگی عمل کرد که آن را شبیه خطبه‌های امیرالمومنین علی(ع) دانسته‌اند.^[۱]
حذیم بن شریک اسدی می‌گوید: در آن روز به زینب دختر علی نگرستم که خطبه می‌خواند و هرگز زنی را سخن‌ورتر و زبان‌آورتر از او ندیدم. گویا (زبان علی در کام اوست و) با زبان امیرمؤمنان علی (ع) سخن می‌گوید. به سوی مردم‌اشاره کرد که «ساکت شوید!» ناگاه نفس‌ها در سینه‌ها حبس شد و زنگ کاروانها از حرکت ایستاد.^[۱]

مقام تبیین و روشنگری

تردیدنی نیست خطبه‌های حضرت زینب(س) در شام و کربلا حاوی مطالب و نکات بسیار ارزشمندی برای جامعه است که باید در سطح وسیعی منتشر شود.^[۱] زیرا عقب نشینی مصلحتی یزید و تغییر موضع سیاسی بر اثر خطبه‌های افشارانه حضرت زینب در شام و بیداری مردم به نوبه خود حاکی از مقام بی‌بدیل آن حضرت در مقوله روشنگری است!^[۱] به عنوان نمونه یکی از مصداقی مهم روشنگری آن حضرت در برابر حکومت خودکامه یزید محقق گردید؛ در خطبه ای که بانوی شجاع اسلام در شام در برابر حکومت خودکامه جبار اید کرد، فرمود:^[۱]«تو امروز شادی می کنی و جنین می‌پنداری که چون فراعنای جهان را بر ماتم کت کرده ای...اشتباه میکنی، این فرصت و آزادی را خداوند بخاطر این به تو داده است تا پشتت از پار گناه، سنگین شود و عذاب دردناک در انتظار تو است.»^[۱]

مقام شجاعت

در حالات این بانوی شجاع می‌خوانیم: زینب کبری (ص) در کنار پیکر خونین برادر زانو زود و پیکر خونین را با دو دست خود از زمین بلند کرد و گفت: «خداوند! این قربانی را از ما، (خانان پیامبرت) قبول فرما.»^[۱] همچنین در وصف مقام شجاعت حضرت زینب باید به خطبه‌های ایشان اشاره کرد که در کوفه و شام بیان گردید که پشت دشمنان را به لرزه درآورد و پای‌های کاخ آنها را منزلزل ساخت.^[۱] از شجاعت حضرت زینب در تاریخ کربلا این است که در مواجهه با این زیاد و هنگامی که می‌خواست او را سرزنش کند با تعبیر «یابان برچانه» او را مخاطب ساخت. لذا در خطبه آتشین شیر زین می‌دان «کربلا در کوفه، با صراحت آمده است»: «گریه می‌کنید و ناله سر می‌دهید، به خدا! بسیار بگریید و کمتر بخندید، لکه ننگی بر دامان شما نشست که با هیچ آبی پاک نمی‌شود. شما چگونه اجازه دادید ساله پیغمبر اکرم (ص) و پناهگاه شما

معارف Maaref@Kayhan.ir

در مشکلات کشته شود و چراغ فروزان جامعه شما را خاموش کنند؟»^[۱]
آن حضرت در پاسخ این زیاد، آن مرد سفاک بی‌رحم و خطرناک، با یک دنیا شجاعت فرمود:«ما اثر اِلا حمیلاً، جز خوبی (و شجاعت و عظمت) در کربلا ندیدم.»^[۱]

همچنین در خطبه معروف حضرت زینب سر زین کربلا که در شام در مقابل یزید ایراد فرست، می‌توان به مقام شجاعت بی‌نظیر آن حضرت اذعان کرد که فرمودند:«اگر حوادث سخت روزگار، در شرایطی قرار داد که مجبور شوم با تو صحبت کنم، من تو را موجودی کوچک و بی مقدار می‌دانم، در خور هر گونه توبیخ و سرزنش... آنچه در توان داری انجام ده؛ ولی هرگز نمی‌توانی نور ما را خاموش کنی و آثار ما را محو نمایی!»^[۱]

پیشگویی شگفت

در خاتمه باید به یکی از مهم‌ترین فرازاها و پیشگویی‌های مهم واقعهٔ کربلا در کلام حضرت زینب(ص) اشاره کرد که فرمودند:خداوند از جماعتی از این امت که گردن کشان زمین آنها را نمی‌شناسند ولی فرشتگان آسمان از این را می‌شناسند، عهد گرفته است که این پیکرهای پاره پاره و پراکنده

باید به یکی از مهم‌ترین فرازاها و پیشگویی های مهم واقعهٔ کربلا در کلام حضرت زینب(س) اشاره کرد که فرمودند: در آینده در این سرزمین بر مرقه حسین(ع) پرچی می اهتزاز از می‌آید که هیچ‌گاه کهنه نشود و در گذر زمان گزندی به آن نرسد و سردمداران کفر هرچه در محو آن تلاش کنند، روز به روز بر عظمت آن افزوده شود.^[۱] لذا زینب دختر شجاع امیرمؤمنان با این پیش‌گویی عجیب و شگفت و فرزند برادر خود را تسلی بخشید و آینده کربلا و عاشورا را آن‌گونه که ما امروز بعد از حدود ۱۴ قرن مشاهده می‌کنیم دقیقاً ترسیم کرد، آری قلب نازنین زینب (س) می‌دانست که این آغاز کار است هر چند تاریک دلان بنی‌امیه و منافقان آن را پایان کار می‌پنداشتند!^[۱]

پی نوشت:

- ↑ بیانات در حاشیه مراسم روز پرستار، شبستان محرم حضرت فاطمه معصومه(ص)، ۱۳۸۸/۱/۲۱
- ↑ ترجمه گویا و شرح فشرده ای در نهج‌البلاغه، متن و ترجمه(ج ۱)، ص: ۳۹۰
- ↑ بیانات در دیدار باجمعی از طلاب و خواهران امر به معروف، ۱۳۹۴/۱۱/۰۱
- ↑ عاشورا ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها، ص: ۶۳۹
- ↑ همان، ص: ۴۰۱
- ↑ همان، ص: ۵۰۲
- ↑ همان، ص: ۵۲۸
- ↑ جامع السعادات، جلد ۳، صفحه ۲۸۰، چاپ مؤسسه اعلمی، اخلاق اسلامی در نهج‌البلاغه (خطبه متقین)، ج: ۱، ص: ۳۶۲
- ↑ ۱۱ و بیانات در حرم کریمه اهل بیت: ۱۳۶۳/۸/۱۳.
- ↑ ۱۲. با توجه به اینکه قول مشهور درباره حادته عاشورا آن است که در روز جمعه بوده است، تصریح حضرت زینب به روز دوشنبه، شایداشاره به حادثه سقیفه باشد که در روز دوشنبه اتفاق افتاد است و مقصود آن است که حادثه کربلا محمول تصمیم نسنجدی است که پنجاه سال پیش در سقیفه گرفته شد.
- ↑ ۱۳. بحرالانوار، ج ۳۵، ص: ۵۸، اعیان الشیعه، ج ۷، ص: ۱۳۸
- ↑ رجوع شود به: انساب الاشراف، ج ۳، ص: ۲۰۴
- ↑ عشورا ریشه‌ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها، ص: ۵۲۸
- ↑ بیانات در دیدار جمعی از زوج‌های جوان دانشگه آزاد اسلامی کازرون، ۱۳۸۳/۱/۱۶
- ↑ در لهرف نام او «بشیر بن خزیم اسدی» ذکر شده است.

- ↑ عاشورا ریشه ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، ص: ۵۶۱
- ↑ بیانات در دیدار اشعاری ستاد تب تلی خطبه حضرت زهرا(ص)، ۱۳۸۹/۰۳/۱۰
- ↑ ۱۲۰- این کتبر عالم متعصب اهل سنت – که شیوه او غالباً توجه خلاف‌کاری‌های معاویه و یزید است. در این ارتباط می‌نویسد:یزید، این زیاد را به سبب چنین جنایتی که در کوفه و به طور اشکاراوی را شامت نمود، ولی نه او را از مقامش برکنار کرد و نه او را مجازات نمود و نه حتی نامه و یا فرستاده‌ای را برای سرزنش وی فرستاد؛البدایه والنهایه، ج ۸، ص: ۲۰۴

- ۱ ۲ یکصد و هشتاد پرشش و پاسخ؛ ص: ۶۲۰
- ۱ ۲ تفسیر نمونه؛ ج ۲؛ ص: ۱۸۴.
- ۱ ۲ مقامات حضرت زینب، ص: ۳۰۷.
- ۱ ۲ پیام امام امیر المومنین (ع)، ج ۱۲، ص: ۷۸۵
- ۱ ۲ رجوع کنید به: بحرالانوار، ج ۳۵، ص: ۱۰۹ و ۱۶۵
- ۱ ۲ عاشورا ریشه‌ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها، ص: ۲۵
- ۱ ۲ همان ، ص: ۱۳۳ – ۱۳۴
- ۱ ۲ کامل الزیارات، ص: ۲۲۴ – ۲۲۵؛ بحرالانوار، ج ۳، ص: ۵۷ و ج ۴۵، ص: ۱۷۹
- ۱ ۲ عاشورا ریشه‌ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها، ص: ۵۵۰
- ۱ ۲ پیگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مکارم شیرازی
- ۱ ۲ واژه سؤال و امر فاعل آن سائل ، تنها به معنای پرسشگری استفاده‌می برای فهم چیزی یا متنی پرسش‌های اعتراضی و یا انکاری و توبیخی و مانند آنها. آنها نیست؛ زیرا یک معنای سؤال، همان چیزی است که در ادبیات و فرهنگ عامه مردم وجود دارد و می‌گویند: سائل به در خانه یا مغازه آمده است و چیزی می‌خواهد. این سائل همان گدایان است که به طلب اتفاقی، در خانه آدمی را می‌زند و بر اساس آموزه‌های قرآن، باید چیزی کم یا زیاد به این سائل داده زیرا در هر مالی هر چند اندک، حقی از سوی خدا برای او قرار داده شده است. وقی *أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَرْغُومِ*؛ در اموال آنان حقی برای سائل و محروم است. (زایات، آیه ۱۹؛ معارج، آیات ۲۳ و ۲۴) این نوع سؤال در عربی سؤال استعطایی یعنی درخواست عطا می‌گویند.
- ۱ ۲ از نظر قرآن، همه مردم، بلکه همه هستی عیال الله هستند و کاسه گدایی آنها به سبب همان فقر ذاتی به سمت خدا دراز است(فاطر، آیه ۱۵)؛ از این رو خدا درباره همه هستی می‌فرماید: *يَسْأَلُكَ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّىٰ تَرْضَىٰ لَہٗ*؛ از آسمانها و زمین است؛ از او سؤال می‌کند و درخواست دارد و خدا در ظهوری در شانی از شئون است، (الرحمن، آیه ۲۹) به این معنا که خواسته‌های موجودات و آفریده‌ها هر آن دگرگون می‌شود و خواسته‌های نو و تازه‌ای مطرح است، خدا نیز با توجه به آن خواسته‌ها ظهور و بروز ی دارد تا بر اساس یک شانی از شئون،

سائلان در گاه خدا

صفحه معارف روز های: شنبه ،یک شنبه سه‌شنبه معارف منتشر می‌شود تلفن‌های مستقیم: ۰۲۲۲۱-۳۲۹۶۱۹۹۱ Maaref@kayhan.ir

صفحه ۶

سه‌شنبه ۳ بهمن ۱۳۹۶

۵ جمادی‌الاول ۱۴۲۹ – شماره ۲۱۸۲۶

چراغ راه



اصلاح دنیا برای سفر آخرت

قال‌النبی(ص): «اصلحو دنیامک و اعمالوا لآخرتکم، کانکم تموتون غدا.»

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: در کار دنیای خودتان مصلح باشید (غیر از این است که حریص و پول‌پرست باشید، کار صحیح و درست بکنید، دنیای خودتان را به سامان بیاورید) اما نسبت به آخرت آن جور عمل کنید که گویا همین فردا از دنیا می‌روید. (آئی غفلت نکنید.)^(۱)

۱- نهج‌الفصاحه، ص: ۲۱۶

حکایت خوبان

عواقب فتنه دنیاطلبی به نام دین

امام صادق (ع) روایت می‌کند که در یکی از کتاب‌هایی که خواندم به پیامبرانش نازل کرده می‌فرماید: «همانا عدای از مخلوقات من دنیا را به نام دین در آغوش می‌گیرند، آنها در ظاهر خود را در جلد میشناسان می‌دهند، و در باطن دل‌هایشان مانند دل‌های گرگان است. اعمال آنها حتی از گیاه ضبر زرد تلخ‌تر است، ولی زبان‌هایشان برای فریب مردم از عسل هم شیرین‌تر است. اعمال باطنی‌شان (نیت‌هایشان) بدبوتر از جسد مردار گندیده است، آیا مرا فریب می‌دهند، یا بر من حيله‌گری می‌کنند؟!»

پس سوگند به عزتم، فتنه‌ای برایشان برانگیزم که در سه‌له‌های آن زمنه